الحان

موسیقی کوچه‌بازاری خوب و بد دارد

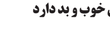

مصطفی کمال پورتراب
نظریه‌پرداز موسیقی

هرکدام از انسان‌ها دارای استعدادهای ذاتی در شاخه‌های مختلف هستند ممکن است برخی از آنها این استعداد را کشف و از طریق دروس آکادمیک پرورش دهند اما برخی، بدون اینکه بصورت علمی بدنبال شناخت استعدادشان بروند، بصورت ذوقی هنر خود را بروز می‌دهند. بنابراین هر چیزی را باید در سطح خودش بررسی کرد. در مورد موسیقی معروف به «کوچه‌بازاری» هم وضعیت به همین‌گونه است. این نوع موسیقی را باید در سطح خودش مقایسه کرد. اینگونه نیست که هرکسی ذوق موسیقی داشته باشد، موسیقی کوچه‌بازاری بسازد یا بصرف اینکه اثری در این نوع موسیقی ساخته، ماندگار شود یا به نابودی برود. در این نوع موسیقی، فردی در مقام «شاعر» کلماتی به دهنش می‌رسد، فرد دیگری هم که صدای خوبی دارد، آن شعر را می‌خواند! اما جامعه است که موجب ماندگاری یا زوال اثر می‌شود. اگر بخشی از موسیقی کوچه‌بازاری در جامعه محبوبیت پیدا کرده، به این خاطر بوده که توانسته بتواند نظر مردم را جلب کند و من‌باب برخی از اقشار محبوب شود. هر اثری که در جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد، بایگانی دارد؛ منتها نباید از این موضوع غافل شویم که این آثار پسی‌ویلندی دارند و اگر حق زمان همچنان محبوب باقی بماند ماندگار می‌شوند و اگر فراموش شوند، معلوم می‌شود ضعیف بوده‌اند و قابلیت ماندگارشدن نداشته‌اند. اگر اثری می‌خواهد معروف شود، باید مبتنی بر اصول صحیح و قوی باشد. این اصول از سوی برخی متخصصان در کتاب‌ها تدوین شده‌اند و بخشی از آن هم نسل‌بدنسل و بصورت شفاهی منتقل شده است. هرچند موسیقی کوچه‌بازاری از چارچوب‌های آکادمیک بهره نگرفته اما از اصول زیبایی‌شناسی ذاتی خود استفاده می‌کند. در این نوع موسیقی، شعری از سوی یک فرد که احتمالاً شاعر نیست و بصورت ذوقی کلماتی به ذهنش رسیده است، شکل می‌گیرد. اگر آن فرد صدای خوبی هم داشته باشد، خوش شروع به خواندن آن شعر و آهنگ می‌کند و در غیراین صورت کسی را که صدای خوبی دارد، پیدا می‌کند و شعر را به او می‌دهد. حالا اگر موسیقی و شعر با هم هماهنگ و از غنای کافی برخوردار باشند، به دل مردم می‌نشیند و به مرور ماندگار می‌شود و گرنه همچون بسیاری چیز از آثار هنری، بعد از مدتی کسی از آنها یاد نمی‌کند.

کوچه مردما

چرا موسیقی کوچه‌بازاری را باید شنید؟

امیر بهاری

موسیقی کوچه‌بازاری ایران یک جریان صنعتی در تاریخ موسیقی ایران است، یعنی در بخش خصوصی و به‌واسطه تقاضای مخاطب تولید می‌شده. نظام تولید و فرهنگ هر هم مطابقت داشتند. مهم‌ترین عامل موسیقی صنعتی زمینه نشر آن است؛ یعنی اینکه این موسیقی در چه بستری تولید شده و در چه بستری به مصرف می‌رسد. در ایران (مثل همه‌جای دنیا) موسیقی بعد از بوق و بعد از آمدن رادیو به ایران دچار تحول ویژگی می‌شود. رادیو در ایران از ابتدای کار دولتی بود و تا امروز هم دولتی باقی مانده. رادیو بعدت سه‌دهه در مقابل رقبای مثل موسیقی کوچه‌بازاری مقاومت می‌کرد و این موسیقی را وضع می‌دهد از آن می‌دانست که در کنار ترانه‌های پاپ، یک بخش دیگر از این موسیقی چگونه صنعتی بود؟ گاهها نمایندهٔ پخش اثر در بخش خصوصی بودند. یک خواننده در کافه‌ای می‌خوانده، موردقبول مردم واقع می‌شده، دهن‌به‌دهن می‌چرخیده که فلان کافه فلان خوب می‌خواند. مشتریان کافه زیاد می‌شده دهن‌به‌دهن میان صاحبان کافه‌ها می‌چرخیده که فلانی را مردم دوست دارند و برایش سرودست می‌شکنند. تعداد اجراهای او نیز زیاد می‌شده و... موسیقی ردیف-دستگاهی ایران (همان که «ماز» را دوستتر و آواز دارد) در واقع موسیقی برای آسیا بیش از دیگران بودن. یک موسیقی محفلی است به قدوقامت و گستره صدایی ساز «ماز» نگاه کنید در یک محفل جمع‌چو اجرا می‌شده از این نظر، موسیقی کوچه‌بازاری کمی شبیه به آن است. دراوقع در تاریخ معاصر ما موسیقی کوچه‌بازاری بیش از هم موسیقی دیگری خاستگاه صنعتی داشته است.

داوود مقامی از کشتارگاه می‌آمد، او برای همکارانش در کشتارگاه غزل‌خوانی می‌کرد. در محفلی کوچک صدایش موثر واقع شده و به کافه راه پیدا کرد و... چرخه هم صنعتی و هم بسیاربسیار مردمی است. حالا شاید با مورمعبار زیبایی‌شناسی موسیقی به نتیجه مطلوبی نرسیده اما آن موسیقی ادعایی به جز خودش دارد؟ در دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ شمسی در منطقه خاورمیانه، مصر محبوب و میلدار است. او قوی‌ترین مخالف اسراییل است و در حوزه فرهنگ به‌خصوص سینما و موسیقی تاثیر شگرفی بر منطقه دارد. پدیده خواننده - بازیگر سینما در خاورمیانه اتفاقی است که در کنار زبان عربی و موسیقی، زبان و موسیقی اینترنیشنت (سرگرمی) هستند. بحث‌های فلسفی- تاریخی اینکه موسیقی اعراب، ترک‌ها و ایرانی‌ها در دوره تیموری یکی بوده را کنار بگذاریم. واقعیت این است که در آن سال‌ها ترکیه و ایران بسیار متاثر از فرهنگ سرگرمی‌سازی عربی بودند که حلسخانگی مصری داشت. در موسیقی آن دوره ترکیه هم، مثل موسیقی کوچه‌بازاری، موسیقی مردمی بود. اما بعد کار موسیقی کوچه‌بازاری هم بر آن مبنا شکل می‌گیرد. بهرام سیر و قاسم جبلی اولین خوانندگان در کنار سینما هستند و این جریان از ابتدا با آمدن تکنولوژی ضبط صفحه به ایران و تا حدودی فراگیرشدنش تبدیل به یکی از مهم‌ترین منابع درآمد شرکت‌های موسیقی شد. در این جریان، بحث نقاط مختلف شهری یا عادت شهری از زمان بسیار برنگرد واقعیت این است که این موضوع از شاخصه‌های موسیقی پایبطار بیشتر در اروپا و آمریکاست. در همان زمان موسیقی رادیکال هم در ایران شکل می‌گیرد که به رقم سفره بشدت شبیه اروپایی -آمریکایی‌اش. چندان عادم‌بسندی در این برایش وی نمی‌دهد از آن زمان تا نزدیک انقلاب رادیو و تلویزیون ایران در مقابل پخش ترانه‌های این جریان مقاومت می‌کردند، ولی این آثار آنقدر قوش موفق داشتند که رادیو و تلویزیون در برابر تعدادی از خوانندگان این جریان عقب‌نشینی کردند. پس واقعیت این است که در زندگی امروز ما حتی در مسند یک روشنفکر، پدیده موسیقی کوچه‌بازاری را به‌واسطه نقاط ابهامی که اثبات شده قابل‌بیان آن زمان جامعه بوده، پدیده‌ای نادرست است و از تحلیل و بخوشظر در مورد آن برهیز کرد این رفتار به نوعی ارتجاعی است هستن رفتار، هنری که متفاوت سیمرا در ۴۰سال گذشته با پدیده بسیار مهم قیلمفارسی گرفته، پدیده‌ای که تنها دوران صنعتی تاریخ سینمای ایران را رقم زده بود.

چرایی موسیقی کوچه‌بازاری در گفت‌وگو با رضا مهدوی

مردم از موسیقی کت‌وشلواری خسته شده‌اند

عکس: سایت جهان آرا

سعید برآبادی

ایده این مصاحبه در یک گزاره خلاصه می‌شود: «موسیقی، کوچه‌بازاری؛ هیزم تحولات اجتماعی- سیاسی نیم‌قرن اخیر». این گزاره را رضا مهدوی، کارشناس سنتورنواز و موسیقی‌پژوه به نوع دیگری مطرح می‌کند و آن، نقش موسیقی کوچه‌بازاری در رونق اخلاق و فرهنگ عامه است و می‌گوید اگر امروز احساس خلأ فرهنگی می‌کنیم، اگر به‌شدت غرب‌شیفتگی در حال سرایت است به خاطر اجرا نشدن درست موسیقی کوچه‌بازاری است. این گفت‌وگوی کوتاه، درصدد است جایگاه موسیقی کوچه‌بازاری را در قبال جریان روشنفکری بررسی کند اما به سوی این نگاه می‌رود که مردم فارغ از اینکه رابطه‌ای با روشنفکری دارند یا خیر، عباس قادری گوش می‌دهند. جواد بساری گوش می‌دهند و این موضوع نه‌تنها عیب نیست بلکه نشان‌دهنده خلأیی است که در ۳۶سال بعد از انقلاب را نشنیدن این موسیقی تجربه کرده‌اید؛

■ تا به حال به موسیقی کوچه‌بازاری گوش داده‌اید؟ اصلا این نوع موسیقی را به عنوان یک «نوع» در موسیقی ایران قبول دارید یا نه؟

شخصا به موسیقی کوچه‌بازاری معتقدم و آن را به‌عنوان یکی از خرده‌فرهنگ‌های موسیقی کشور قلمداد می‌کنم که متعلق به همه مردم است و اگر حضوری درخور نداشته باشد، نمی‌توانیم از موسیقی ملی یا آیینی حرف بزنیم. این موسیقی تاکنون بسیاری از مفاهیم مهم اجتماعی، مذهبی و... را در جامعه جاانداخته و فارغ از اینکه در چه محیطی منتشرشده در جامعه تاثیرگذار بوده است. در نظر داشته باشیم که در سال‌های قبل از انقلاب این نوع از موسیقی به حدی جدی می‌شود که راه به تلویزیون و رادیو باز می‌کند اما متاسفانه بعد از انقلاب بی‌دلیل از تولید و پخش آن جلوگیری می‌شود.

■ لابد دلیلی داشته، مثلا مخالفت‌های برخی مدیران؟ یا برخوردهایی که ابتدای انقلاب با برخی از هنجارشکنی‌ها می‌شد؟

چه کسی از مسوولان نظام با چنین موضوعی مخالفت می‌کرد؟ (آن از همان اوایل انقلاب، خود را قدردان مردم کوچه بازار و کسبه و بازاریان دانستند که در طول سال‌ها پشت مردم را خالی نکردند و حمایت‌های آنها باعث شده بود این انقلاب به نتیجه برسد. وقتی بازار پشتوانه مادی و معنوی و حلی جنبش مردم بوده چطور می‌شود از هنر بازار حرف نزد؟ چطور می‌شود فراموشش کرد؟ در حالی که یکی از ارکان گویش مردم به زبان دیگر همه ما همین نوع موسیقی است. ۳۶سال است که این نوع موسیقی کنار گذاشته‌شده و متزوی‌شده است و در تمام این سال‌ها، غرب‌شیفتگی بیشتر و بیشتر شده و کسی توجه نمی‌کند که وقتی نمی‌گذاریم، موسیقی کوچه‌بازاری به شکل درست آن، راه خودش را برود برای مخاطب چاره‌ای جز گرایش به سمت موسیقی آن طرفی نمی‌ماند!

■ یعنی معتقدید تا این میزان موسیقی کوچه‌بازاری با مردم ارتباط داشته؟

بله و اتفاقا این طبیعی است که اینگونه رفتار؛ عباس قادری کاملا درست می‌گوید. ما باید با پاکی و صداقت است در گفتار و توجه به یک موضوع مهم مثل زیارت که امروز نه در موسیقی پاپ می‌بینیم و نه در موسیقی جدی. درست است که پیش از انقلاب این موسیقی با تصاویر ناصواب همراه بود و شاید حتی در محیط‌های غیراخلاقی منتشر می‌شد اما انقلاب ما آن صحنه‌ها و آن محیط‌ها را به پس‌زمینه رانده تا بتوان از همه هنرها در بهترین شرایط و اخلاقی‌ترین روش بهره برد و متاسفانه موسیقی کوچه‌بازاری از این موضوع محروم مانده.

■ ولی بفرمایید برمی‌سد این نوع موسیقی مثل فیلمفارسی‌ها، بر از کلیشه است.

اگر آهنگی پر از مفاهیم، رفاقت و دوستی و احترام به خانواده باشد، بر از کلیشه است؟ کدام‌یک از موسیقی‌های بعد از انقلاب، در راستای ترویج این فرهنگ خوب و اخلاقی است؟

■ اما در حوزه فرهنگ عامه، تئاتر لاله‌زار و تخت حوضی زنده شد.

اتفاقا سوال من هم اینجاست که چرا موسیقی کوچه‌بازاری، مثل تئاتر لاله‌زار، احیا نمی‌شود، وقتی یک نیاز واقعی جامعه مامست. این‌روزها در کنار خیابان‌ها جوان‌هایی را می‌بینیم که موسیقی خیابانی اجرا می‌کنند، این نیاز جامعه ماست چراکه عابران می‌ایستند، گوش می‌دهند و با کمال رضایت دست در جیب می‌کنند و پولی به آنها می‌دهند. نغمات و الحان گذشته از طریق همین حنجره‌ها دوباره دارد به گوش مخاطب می‌رسد چراکه این موسیقی، قومی‌تر و مردمی‌تر از موسیقی‌ای است که در تالارها اجرا می‌شود.

■ شاید یکی از دلایل مهجور ماندن این موسیقی پس از انقلاب، حمایت مادی و معنوی دربار از آن بود. این موضوع را تایید می‌کنید؟

در بطن جامعه وضع فرق می‌کند؛ به نظرم ۸۰درصد مردم، علاقه‌مند موسیقی کوچه‌بازاری هستند.

■ یعنی ۸۰ درصد مردم این روشنفکر نیستند؟

نوع سوال شما غلط است. مگر برخی روشنفکرها از این موسیقی لذت نمی‌برند؟ من دوستان مختلفی از قشرهای مختلف دارم که در ماشین یا در محل کار خود موسیقی کوچه‌بازاری گوش می‌دهند و اتفاقا از آن لذت می‌برند.

■ شاید از آن نوع کارهاست که روشنفکرها دارند، مثل جریان خز بازی که این روزها گل کرده؟

از آنها که برسیدیم، گفتند خاطره داریم از این نوع موسیقی. نگاه کنید الان در وایبر هم همین‌طور است. آهنگ فلانی را می‌فرستند برای تجدیدخاطره و اتفاقا گلی هم مخاطب دارد چون مردم خودشان می‌توانند چیز خوب را از چیز غلط تشخیص بدهند.

■ تجربه‌هایی هم بعد از انقلاب داشته‌اید؟

تجربه‌ها بسیاربسیار کم بوده‌اند، حتی برآنکه و موردی مثلا آقای خلعتبری برای «خوش‌رکاب» به سمت این نوع موسیقی رفت و گوش‌ها را متوجه این خلأ کرد اما بعدا این مسیر را ادامه نداد.

■ شاید به خاطر ملاحظات؟

نه، مساله آقای خلعتبری یک موضوع شخصی بود. در جامعه کسی با این نوع موسیقی مخالفت ندارد، هنرمندان ما خودشان دارند خود را سانسور می‌کنند در حالی که در خارج وضع برعکس است. هنرمندان برای اجرای موسیقی مردمی سروددست می‌شکنند. در پارکی در لندن، یکشنبه‌ها بزرگان موسیقی جمع می‌شوند و برای مردم، رایگان اجرا می‌کنند. آن وقت مدیریت فرهنگی ما می‌ترسد که در پارک‌ها برای مردم موسیقی زنده اجرا کند. تئاتر خیابانی داریم اما موسیقی خیابانی نداریم.

■ برای رفع این خستگی موسیقی پاپ هست و شاید دیگر نیاز نباشد مسوولان ریسک کنند و گونه دیگری از موسیقی را که اتفاقا تاریخ خوبی نداشته رسمی کنند.

برعکس، نمایندگان موسیقی کوچه‌بازاری در دل مردم حضور داشته و دارند. امروز همان موسیقی که شما می‌گویید جدی طرفدار ندارد و مردم جندان برایش دست به جیب نمی‌شوند. خسته شده‌اند از موسیقی نشسته و کت و شلواری و اگر موسیقی کوچه‌بازاری درست اجرا شود، قطعا به سمت آن خواهند رفت.

■ گفتید بعد از انقلاب برای دریافت مجوز خیلی به وزارت ارشاد مراجعه کردید. در شعرها چه تغییراتی اعمال کرده بودید که همسو با سیاست‌های فرهنگی بعد از انقلاب باشد؟ مثلا برخی از خوانندگان به برنامه گل‌ها بعد از انقلاب به سمت ترانه‌های حماسی روی آوردند ولی به نظر، موسیقی کوچه‌بازاری این پتانسیل را نداشت و ماهیتش تغییر می‌کرد؛ یعنی این جنس موسیقی نمی‌تواند حماسی شود چون برگرفته از فرهنگ زیستی یک‌دوره از تاریخ معاصر و تهران قدیم بوده...

اتفاقا من شد. مساله اولیه این است که وقتی شما مرا برای مصاحبه دعوت کردید، حالا با ابهام‌هایی نشستیم یا یک طبقه پایین‌تر یا بالاتر. ما به دعوت شما آمده‌ایم برای همین سعی می‌کنیم کاری را که شما از من می‌خواهید، انجام دهیم. تغییر می‌تواند در کلام اتفاق بیفتد و به مسایل روزمره نزدیک شود. قرار نبود ماهیت موسیقی و سبک ما تغییر کند. سبک و نوع این موسیقی پایه‌های دارد که قابل تغییر نیست وگرنه که کلا موسیقی دیگری می‌شود.

■ در این زمینه کار آماده‌ای کرده بودید؟

من دوتا قطعه درباره حضرت‌علی(ع) خواندم البته در سبک موسیقی خودم...

■ به آنها هم مجوز ندادند؟

نه. گفتند شما خوانندگانی هستید که مردم می‌شناسند و روبتان حساسیت دارند. این جوابی بود که دادند. ما همین الان هم دوست داریم برای مردم خودمان و در این مملکت فعالیت کنیم؛ چرا نباید بتوانیم؟

■ هیچوقت رسما ممنوع‌العمل نشدید؟

نه. هیچ‌کس چنین چیزی به من نگفت. گفتند شما می‌توانید به فعالیت‌تان ادامه دهید.

■ خیلی از کارهای قبلی شما را که گوش می‌کنیم، می‌بینیم مثلا مجری برنامه می‌گوید: حالا دعوت می‌کنیم از «خواننده مردمی»، «خوانندگان جوان» و یا «خوانندگان نسل تازه» داشتید؟ آیا با واژه «کوچه‌بازاری» مشکل دارید...

نه. من حساسیتی ندارم. خوشحالم تمام مردمی که در کوچه‌بازار زندگی می‌کنند؛ از این موسیقی استفاده می‌کنند؛ واقعیت را خدمتتان عرض می‌کنم؛ می‌توانید از بدرزنگی که از همنسلان من هستند، عبور کنید. یکفایرد مثالی بزنم که فکر کنم جواب سوال شما هم باشد. تئاترهایی در لاله‌زار بود که الان تکونوتک باقیمانده و سبک‌ساقلمان فرق کرده؛ یعنی فقط نمایشنامه کار می‌کنند. آن زمان بیشتر کسرت اجرا می‌کردند و گهگاهی هم نمایشنامه. کارگران شهرستانی مثلا از ماهشهر، اهواز، دزفول و اطراف آنها بلیز که کار ما عقاید داشتند که به اهوای «موسیقی کوچه‌بازاری» یا «مردمی» جهارشنبه‌بلب خودمون و تمام شد. بندخداها می‌دانند و من و گفتند آقای قادری تراژیبوت شمس‌العماره را بلدی؟ ما از آنجا می‌آییم؛ چهارشنبه بلیت خودمون و صبح رسیدیم تهران تا کارهای شما را ببینیم. یعنی اینقدر برای مردم این موسیقی ارزشمند بود. منظورم از مردم، همین کارگرها هستند. از بمبر، کلام و شعر عامیانه بود.

■ احساساتشان مساله و رقیق بود و پیچیدگی افکار روشنفکران را نداشت...

بله، منظورم همین است.

■ موسیقی پایبوار؛ همین معنی موسیقی مردمی را می‌دهد؛ یعنی موسیقی‌ای که فراگیر است. فکر می‌کنید موسیقی پاپ وافعی، ما این بود؟

بسیار کیفیت این بود. کارهای پاپ کلاسیک هم اجرا کردیم مثل «تکه‌سنگ»، «حرف نگفته» و... مثلا همان کارهای قدیمی‌تر از کلاسیک نواختند و حالت سولی‌کردن عربی به آنها ندادیم. ما هم همان‌جایی بوده‌ایم اجرا می‌کردیم که اکبر گلپایگانی می‌خواند. هرکسی برای خودش هوادارش داشت و برنامه‌ها طوری بود که همه به ما هم بودند.

■ می‌دانیم در زمان کارهای قبلی شما برخی مطرح بود. چرا شما این سبک را انتخاب کردید؟ الان حتی برخی مورسیین‌های سنتی ما هم یک موسیقی کوچه‌بازاری خوب و بدرا دارد چون نسلی را با یاد طهران قدیم می‌اندازد. عده‌ای هم می‌گویند جامعه تغییر کرده و این موسیقی کوچه‌بازاری که در حافظه شنیداری هست، الان دیگر مخاطبی ندارد. نظر شما چیست؟

الان نسلی بوده شده و همه فرق کرده‌اند. ۴۰سال گذشته و دیگر آن زمان تکرار نمی‌شود. آدم‌ها و چاها و شرایط تغییر کرده. الان شخص من نمی‌توانم و نخواهم توانست مثل قبل باشم. چون در این محیط و زمان زندگی می‌کنم و نمی‌توانم آنطوری شبیه گذشته باشد از بین رفته. همه‌چیز تغییر کرده. مساله این است آن زمانی که باید از این موسیقی حمایت نشد و الان هم جلو اقدامی برای حفظ و نگهداری‌اش انجام نمی‌دهند.

این موسیقی بخشی از فرهنگ ایران است نه اینکه چون خودم خواننده این موسیقی بودم این را بگویم، یعنی الان این موسیقی اصالت داشت و حرف دل مردم بود و برگرفته از موسیقی غربی نبود. چه موسیقی‌ای را با این المان‌های ایرانی که بازگوکننده وضعیت زندگی مردم و نوع خرفزدنشان در تهران قدیم و در دوره‌ای از تاریخ باشد، سراغ دارید؟

■ بعد از انقلاب درآمدتان از چه کانال تامین شد؟

الحمدالله یک لقمه نان و پنیری از قبل داشتیم. در عین حال کار کردیم و دوستان خوبی هم داشتیم که شرکت‌های مختلفی در زمینه تولید آلات موسیقی داشتند. سفارش کارهایی را به ما می‌دادند که در جلسه موسیقی بفرمایید. مثلا ساخت خرک سنتور و... فعالیتم در زمینه کوچه‌بازاری به بود لی‌بی در به صورت انتشار آلبوم و برگزاری کسرت. وقتی دام نمی‌تاتو چلوم‌وچ بخورد، باید سعی کند از یک لقمه نان و پنیر لذت ببرد.

■ شغل ثابتی نداشتید؟

چرا. زمانی در شرکت «روغن‌نباتی قو» کار می‌کردم و سرپرست فروشندگان بودم. بعد دوباره وقتی به آنجا برای کار رفتم، دیدم همه‌چیز تغییر کرده و همه‌سیستگاه‌ها اتوماتیک شده و نتوانستم کارم را ادامه دهم. خلاصه سال‌های سال را به همین منوال گذراندیم.

■ الان دوست دارید چه اتفاقی در موسیقی بیفتد؟ مخصوصا در زمینه موسیقی پاپ که به‌نوعی جایگزین موسیقی کوچه‌بازاری شده است؟

در حال حاضر هر مملکتی برای هنرمندانش ارزش قایل است و خوانندگاه که تازه بالا آمده و گل کرده جایگاهی دارد. هنرمندی که ۴۰سال پیش کارش را شروع کرده هم جایگاه خودش را دارد. ما از وزارت ارشاد این درخواست را داشتیم. شغل ما این است. کارمان این است و به جز این. کار دیگری نمی‌توانیم انجام دهیم. باید بتوانیم در چارچوب مشخص‌شده که کارمان ادامه دهیم. کاری که از ما شما گویید، سعی می‌کنیم به نحواحسن انجام دهیم؛ نه کلامی بالاتر و نه پایین‌تر. من دوست دارم در مملکت خودم باشم و برای مردم خودم بخوانم.

■ آخرین کار تان آلبوم «نازکدلکم» بود. آیا مشغول کار جدیدی هستید؟

فعلا نه چون بازگشت مدامی برایم ندارد.

■ هزینه آلبوم‌هایتان از کجا تامین شد؟

چند آلبومی که تولید کردم منتشر شده، هزینه‌هایش از جیب بوده و برگشتی نداشته. هوطنانم می‌توانند آنها را از اینترنت دانلود کنند.

■ اگر قرار باشد مدیران در اختیارتان قرار گرفته است؟

بله، ولی از الان به بعد، دیگر این کار را نمی‌کنم.

■ اگر قرار باشد مدیریتی از هنرهای گذشته و اکنون کنید که منشأ مکتب مجزو شادی رقاصها را اجرا می‌کنید؟

آنجایی که می‌دانم، به غیر از یک نرانه، من جنبه‌ای ندارم.

■ بعد از انقلاب درآمدتان از کجا تامین شد؟

الحمدالله یک لقمه نان و پنیری از قبل داشتیم. در عین حال کار کردیم و دوستان خوبی هم داشتیم که شرکت‌های مختلفی در زمینه تولید آلات موسیقی داشتند. سفارش کارهایی را به ما می‌دادند که در جلسه موسیقی بفرمایید. مثلا ساخت خرک سنتور و... فعالیتم در زمینه کوچه‌بازاری به بود لی‌بی در به صورت انتشار آلبوم و برگزاری کسرت. وقتی دام نمی‌تاتو چلوم‌وچ بخورد، باید سعی کند از یک لقمه نان و پنیر لذت ببرد.

■ شغل ثابتی نداشتید؟

چرا. زمانی در شرکت «روغن‌نباتی قو» کار می‌کردم و سرپرست فروشندگاه بودم. بعد دوباره وقتی به آنجا برای کار رفتم، دیدم همه‌چیز تغییر کرده و همه‌سیستگاه‌ها اتوماتیک شده و نتوانستم کارم را ادامه دهم. خلاصه سال‌های سال را به همین منوال گذراندیم.

■ الان دوست دارید چه اتفاقی در موسیقی بیفتد؟ مخصوصا در زمینه موسیقی پاپ که به‌نوعی جایگزین موسیقی کوچه‌بازاری شده است؟

در حال حاضر هر مملکتی برای هنرمندانش ارزش قایل است و خوانندگاه که تازه بالا آمده و گل کرده جایگاهی دارد. هنرمندی که ۴۰سال پیش کارش را شروع کرده هم جایگاه خودش را دارد. ما از وزارت ارشاد این درخواست را داشتیم. شغل ما این است. کارمان این است و به جز این. کار دیگری نمی‌توانیم انجام دهیم. باید بتوانیم در چارچوب مشخص‌شده که کارمان ادامه دهیم. کاری که از